

جلسه‌ی ششم

نویدها (1)

■ مباحثی که قراره ارائه بدیم 😊

- مروری سریع بر ۵ جلسات گذشته
- هدف حضرت آقا از پنج جلسه ی گذشته
- مؤلفه های سعادت (۱۲ مورد ، آنچه برای سعادت انسان ها نیاز است)
 - از دیدگاه هر انسانی چه مادی چه الهی
- نقش ایمان در سعادت
 - بررسی آیات قرآن

■ مرور

■ ایمان

- آگاهانه باشد
- با عمل و تعهد توأم باشد
- تعهد آفرین و زاینده می عمل باشد
- نه یک باور خشک و خالی در دل و مغز

■ مرور

■ مومن معتهد آن وقتی مومن است که :

- ایمانش گاهی نباشد
- فرصت طلبانه نباشد
- بلکه همیشگی باشد ، همه جایی باشد
- همگانی باشد
- همه جانبه باشد

■ با این دید هم نگاه کنیم



■ روحانی ۳۰ - ۳۱ ساله

■ معروف به «خمینی مشهد»

■ دوره ی ۳۰ روزه ، با اهداف والای اسلامی

- طرح کلی اسلام

■ مخاطبین عموم مردم

■ با کمترین هزینه

■ هدف از ارائه بحث ایمان در ابتدا چه بود؟؟؟!

■ نیاز به مطرح کردن اون هست (هدف) یا بود ؟؟؟ چرا ؟؟؟!

- یعنی ما هر برنامه ای و هر کاری که می کنیم ، باید مخاطب رو اغنا کنیم که بماند ، باید سوال ایجاد کنیم ، دغدغه ایجاد کنیم ، مخاطب را تشنه کنیم

■ سوالی که همیشه هست

- من انگیزه ای برای مطالعات دینی ندارم

- من اصلا سوالی در مورد توحید ، نبوت ، ولایت فقیه و انقلاب و ... ندارم ، چ نیازی من این ها رو یاد بگیرم

■ اما هدف

■ قیمت ایمان و کیفیت ایمان را بدانیم

■ ما برای اینکه فهمیدن دین و شناخت اصول اساسی اعتقادی دین، در ما

شوقی برانگیزد، به طوریکه به صورت جدی دنبال فهم دین و شناخت دین

حرکت کنیم، برای این کار محتاج هستیم به را بدانیم

■ اما هدف

- حالا برای اینکه ما ارزش ایمان را و نتیجه ایمان را بدانیم
- دوست دارد ببیند مبادله او با خدا، به چه صورت است، او ایمان می آورد و
برای آن ایمان متعهد میشود، متقابلاً دوست دارد بداند خدا چه تعهدی در
مقابل او بر عهده میگیرد، چه مژدهای و چه نویدی به او میدهد
- اینیک مسألهای است که از نظر مؤمن و از نظر کسی که میخواهد در وادی
ایمان، ثابت قدم و راسخ و استوار باشد، موضوع جالب، شیرین، خواستنی
و دوست داشتنی ست، امیدبخش به مؤمن است

■ مؤلفه های سعادت

- بهرهمند شدن از سعادت همه جانبه و کامل به چه نیاز داریم ؟
- انسان برای اینکه سعادتمند باشد چه چیزهایی احتیاج دارد؟
- سعادت چیه ؟؟؟!!!
- **یک ادعا** آن چیزهایی که انسان احتیاج دارد تا سعادتمند به طور کامل و همه جانبه باشد، تماماً به مؤمن و بر ایمان نوید داده شده
- ایمان، باور توأم با عمل، آنچنانکه فرهنگ قرآنی معین میکند، مساوی ست با تمام شرایط خوشبختی و سعادت، از نظر احتیاجات و نیازهایی که یک انسان برای خود تصور بکند

■ مؤلفه های سعادت

مسأله ، مسأله تعصب از برای مذهب و دینداری نیست، برای یک مادیگرا هم همینها شرایط سعادت‌مند شدن است حالا دانه دانه میخوانیم ، ببینیم که آیا یک مادی، اگر چنانچه اینها را داشته باشد، احساس خوشبختی میکند یا نه؟ و بعد که معلوم شد که اینها شرایط سعادت‌مند شدن است، آن وقت برمیگردیم به قرآن،

■ یک - شناخت هدف (هدایت)

- به چه چیزهایی محتاج است انسان؟
- یک، محتاج است به اینکه هدف و سرمنزل سعادت را بشناسد
- بداند به کجا می خواهد برسد
- بداند برای چه هدفی میخواهد تلاش بکند
- نقطه اتمام و پایان راه را از آغاز ببیند و راه آن را بداند
- به سوی این هدف، از کدام راه باید رفت تا رسید و زودتر رسید و تحقیقا رسید

■ دو- خروج از ظلمت (نور)

- به چه چیزهایی محتاج است انسان؟
- هرآن چیزی که گوهر بینش و خرد او را در حجابی ظلمانی می پیچد و نیروی دیدن و فهمیدن را از او میگیرد، زائل گردد
 - غرور
 - جهالت
 - پندارها و خرافات نمیگذارند یک انسان یا یک ملت، حقیقت را درک کند و بفهمد
 - نظامهای جائرانه
 - حجابها و مانعهای گوناگون، از درون و از برون
- مانع میشوند نمیگذارند که انسانها بفهمند و بدانند

■ دو- خروج از ظلمت (نور)

- به چه چیزهایی محتاج است انسان؟
- هرآن چیزی که گوهر بینش و خرد او را در حجابی ظلمانی می پیچد و نیروی دیدن و فهمیدن را از او میگیرد، زائل گردد
 - غرور
 - جهالت
 - پندارها و خرافات نمیگذارند یک انسان یا یک ملت، حقیقت را درک کند و بفهمد
 - نظامهای جائرانه
 - حجابها و مانعهای گوناگون، از درون و از برون
- مانع میشوند نمیگذارند که انسانها بفهمند و بدانند

■ سه-رهایی از وسوسه ها (اطمینان و امن)

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه در راه طولانی اش به سوی سعادت، در این راهی که دارد طی میکند به

طرف آن سرمنزل و پایان راه، از دغدغه ها و وسوسه های درونی که توان

فرساتر از عامل های بازدارنده برونی است، برهد

■ عامل بازدارنده ی بیرونی

■ عامل بازدارنده ی درونی

■ سه- رهایی از وسوسه ها (اطمینان و امن)

■ عامل بازدارنده ی دورنی

- این عامل بازدارنده یکوقت هست که از درون انسان را می پوسانند، دراو، تردید ابجاد میکنند، جلوی راه را نمیبندند، راه بازاست، اما توان رفتن، اراده رفتن، تصمیم حرکت و امکان تلاش را از انسان میگیرند، این بدتر است
- چرا میروی؟ چه فایدهای دارد؟ شاید نرسیدی، شاید در راه دزدی رسید، شاید گرگی آمد، به چه مجوزی میروی؟ نمی خواهد بروی، خیلی خونسرد و دلسوزانه و پیرمردانه و استادانه، راه هم بازاست

■ سه- رهایی از وسوسه ها (اطمینان و امن)

■ عامل بازدارنده ی دورنی

- حتی خواص هم متزلزل میشدند (یاران حضرت موسی)
- در همین انقلاب کسانی که انقلابی بودند اما ...
- در موضع گیری جوری برخورد نکنیم هرکسی متزلزل می شود (البته جای بحث زیاد داره 😊)

■ چهار- تمرین بخش دانستن تلاش

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه تلاش خود را تمرین بخش بداند

- آن کسانی که امیدوار نیستند که تلاششان و حرکتشان به نتیجه ای
منتهی خواهد شد، مسلم به سرمنزل خوشبختی و رستگاری نمی رسند.

■ پس یکی از شرایط اینکه انسان به سعادت بتواند برسد ، آن آدم راهرو، آن آدم
تلاشگر، آن آدم کوشش گر، شرطش این است که تلاش و کوشش خود را تمرین بخش
بداند.

■ پنج - جبران لغزشها

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه لغزشها و خطاهایش قابل جبران و مورد بخشایش باشد، این هم خیلی مهم است

- اگر بداند که خطاهای او به شرط آنکه خودش صد درصد جبران باشد، قابل جبران است

- اشتباهات او مشروط بر اینکه خود او از آن اشتباهات پشیمان باشد، قابل صرف نظر شدن است

- اگر اینها را بداند، شوق او، امید او، نشاط او و شور او چند برابر خواهد شد

■ شش - برخورداری از تکیه گاه مطمئن

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

- در همه حال، از دستاویز تکیه گاهی مورد اطمینان برخوردار باشد و بداند همه جا و در تمام شرایط، یک کمک کاری هست که میتواند از او استفاده کند و عیناً **مثل آدمی که نقشه جامع راه را در جیبش گذاشته**، وارد راه شده، در این جادهها دارد میرود، اشتباه هم میکند البته، اما دغدغه هم ندارد و می داند که اگر احیاناً یکوقتی، یکجایی و راه را اشتباهی گم کرد و رفت، این نقشه در بغلش است، درمیآورد نگاه میکند، از این نقشه استفاده میکند و همهجا یک مستمسک و مستعصمی وجود دارد که میتواند به او دست بزند، چنگ بزند، از او استفاده کند
- آیه : کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه گاه مطمئنی تکیه کرده است)؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست. / لقمان / ۲۲

■ هفت - برخورداری از نصرت الهی

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه در مواجهه با دشمن ها و دشمنی ها از نصرت و مدد خدا برخوردار گردد

■ الهی که یقین دارد به وجود آنچنان قدرت مسلط و مسیطری، ماورای تمام این پدیده ها و متکی به اوست، ببینید چقدر در راه سعادت تندروتر و جالب تر حرکت میکند

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

- ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.



■ هشت - برتری بر جبهه مخالفان

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه بر جبهه ها و صفهای مخالف برتری و رجحان داشته باشد، بدانند که بالاخره برتری و رجحان و ارجحیت برای اوست این هم خودش تأثیر عجیبی دارد در اینکه بتواند انسان این راه با سهولت بیشتری طی کند



وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

■ نه - پیروزی بر دشمنان

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه بر دشمنان راه و هدفش که مانع و خنثی کننده تلاش اویند، پیروز گردد و آدم همه این تلاشها را بکند، بعد هم شکست بخورد؟! اینکه به سعادت نمیرسد ، پس یکی از مهمترین عناصر سعادت مندی یک انسان این است که آخرش پیروز بشود، غیر از این است مگر؟

■ مگر مکتبهای دنیا برای پیروزی نمیکوبند؟ پس یکی از عناصر و عوامل سعادت انسانی، فردی، اجتماعی و گروهی، این است که در مواجهه با دشمنها ، بالاخره بر آنها پیروز بشود.

■ ده - رسیدن به هدف

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ اینکه عاقبت، از همه سختیها و فشارها و بندها و حصارها، رسته و به مقصود و منظور خود نائل گردد، برسد به آن سرمنزل: فوز و فلاح، همین تعبیرات قرآنی

■ یازدهم - بهره‌مندی از نعمات الهی

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ در همه حال، در راه و در منزل، هم در راه هدف، هم در خود سرمنزل هدف، از

ذخیره‌هایی که برای آدمی در این جهان مهیا گشته، بهره‌مند و برخوردار گردد

■ برکات آسمان و زمین بر او ببارد، گندم زمین و قطره باران آسمان و ذخایر

دریاها و ذخایر جنگلها و معدنهای کوهها و همه مواد حیاتی و غیر حیاتی لازم

برای انسان و بالاتر از همه، منبع و معدن هوش و درک و خرد و استعداد و ابتکار

آدمی، بر روی او گشوده بشود، از همه اینها استفاده کند

■ دوازدهم - پاداش اخروی

■ به چه چیزهایی محتاج است انسان؟

■ بالاخره بعد از تمام اینها در دوران زندگی و تلاش و بیداری انسان به وقوع می پیوندد، بعد هم که مرد، بعد هم که این چراغ خاموش شد، بعد هم که به ظاهر، با جمادی برابر شد؛ تازه رشته استفاد هاش خاتمه نپذیرد، اول استراحتش باشد، اول پاداش گیری و اجر بردنش باشد ، اول نقطه و اول قدم راحتی و عیشش محسوب بشود

مؤلفه های سعادت

- اینها شرایط سعادت است
- برای سعادت مند بودن یک انسان، برای خوشبخت شدن یک انسان یا یک جامعه، اینها لازم است
- قرآن تمام آن چیزهایی که عناصر و عوامل سازنده سعادت و خوشبختی محسوب میشوند، اینها و دهها چیز غیر از اینها را به آدمهای با ایمان نوید می دهد

نقش ایمان در سعادت

■ یک - هدایت

■ « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ

الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ»



■ « کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می‌کند؛ از زیر (قصرهای) آنها در باغهای بهشت، نهرها جاری است.»

■ یک- هدایت

نقش ایمان در سعادت

■ « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ۖ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ »

■ عمل صالح چی ؟

■ یعنی تعهد متناسب با آن ایمان ، ایمان انسان بر دوش انسان تعهدی میگذارد، انجام آن تعهد، بر دوش گرفتن آن تعهد، عمل صالح است ، آنکسانی که ایمان بیاورند، آن باور را پیدا کنند، بعد هم بر طبق تعهداتش عمل نمایند

■ « يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ » پروردگارشان، به سبب ایمانشان آنها را هدایت خواهد کرد

■ خود ایمان موجب می شود که آنها راه پیدا کنند به چه راه پیدا کنند؟

■ هم به هدف، هم به راه ها و هم به وسیله ها

■ یک- هدایت

نقش ایمان در سعادت

■ در قدم اول هیچ یک از رهبران و بزرگان و راهروان و دنباله روان، نمیدانستند

قدم دهم چیست؟

■ مثال بیابان

■ یک - هدایت (آیه بعدی)

■ « يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا »

«هان ای مردمان، از سوی پروردگارتان برای شما برهانی آمد، دلیلی قاطع و روشن و روشن، حجتی ثابت و ثابت کننده فرستادیم به سوی شما نوری آشکارا

■ منظور از این برهان و نور، قرآن است و حقایق قرآنی

شاهد سخن ما در این آیه بعدی اش است

« فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ »

■ یک - هدایت

■ « فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا »

پس آن کسانی که به خدا ایمان بیاورند و به او مستمسک و متکی گردند، فقط ایمان قلبی هم کافی نیست، باید به خدا، به دامن خدا، یعنی به دامن آئین خدا و راه خدایی چنگ بزنید، مستمسک بشوید

■ « فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا »

چنگ زدند، مستمسک شدند؛ اگر اینجور شد،

■ « فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ »

خدا آنان را در رحمت و فضل خویش داخل خواهد .

■ « وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا »

آنها را به سوی خود رهنمون می شود، هدایت می کند

■ یک - هدایت (آیه بعدی)

■ « وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ »

■ آن کسانی که در راه ما و به خاطر هدف های الهی، اهداف الهی، هر هدفی که خدا دارد در این عالم، مجاهدت کنند

(راه خدا چیست؟ هدفهای خدایی چیست؟)

■ عدالت است، امنیت است، بندگی بندگان در مقابل اوست، به رشد رسیدن و تکامل بندگان خداست، **آباد شدن روی زمین است**، آباد شدن دل انسانهاست، معمور شدن دنیا و آخرت آدمیان است، به خط و ریل تکامل افتادن تمام موجودات است

■ یک - هدایت (آیه بعدی)

■ « وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ »

■ اینها خواسته های خداست ، نبودن ظن است، نبودن شرک است، نبودن

کفر است، نبودن ناامنی است، نبودن ددخویی و ددمنشی است، نبودن

سرکشی و طغیان است

■ بیگمان و بیتردید، راه هایمان را به آنها نشان میدهیم، گنجشان نمیگذاریم،

گمراهشان نمیگذاریم

■ دو- نور

■ « اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »

■ خدا سرپرست و هم جبهه مؤمنان است

■ ولی را من، هم جبهه، پیوسته، هم سطح معنا میکنم

■ ولایت به معنای پیوستگی است، دو چیز که به همدیگر پیوسته بسته میشوند، به این میگویند ولایت خدا ولی مؤمنین است، یعنی پیوسته با مؤمنین است

■ یعنی خدا و مؤمنین در یک صفند، دشمنان خدا در صف دیگر، در مقابل مؤمنین و در مقابل خدا

■ دو- نور

■ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

■ اما کفار چطور؟

■ کفار یعنی آن کسانی که عقیده دینی و مکتب دین را ناسپاسی کردند

■ کافر آن کسی نیست که دین را قبول نکرده، کافر یعنی پوشاننده نعمت، ناسپاس

نعمت، چرا به این میگویند کافر؟ خب، این دین را قبول نکرده، کافر چرا؟

■ به خاطر اینکه این دین ارمغان خدا بود، این هدیه‌های بود از سوی خدا برای سعادت

او و همه انسانها؛ این را رد کرد، این ناسپاس نمک شناس، این کافر نعمت؛ لذا به او

میگویند کافر.

■ دو- نور

■ وَالَّذِينَ كَفَرُوا «آنها که کفر و انکار ورزیدند،»

■ أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ «سرپرستان و هم جبهگانشان طاغوتها و متجاوزانند.» و آنان که کفر و انکار ورزیدند، سرپرستان و اربابانشان، طاغوتها و سرکشان و تجاوز کارانند.

■ «يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» آنان را از نور معرفت دور ساخته، به زندان ظلمتها و تاریکیها میکشانند.

■ آنها همگی مصاحبان آتش و در آن جاودانهاند

■ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ، خدا را بسیار یاد کنید

■ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

و در هر بامداد و شامگاه، او را به پیراستگی و پاکی بستايند

■ مگر چه شده؟

■ هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ

اوست که بر شما درود می‌فرستد و فرشتگانش نیز ، چرا؟

■ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

■ تا شما را از ظلمتها برهاند و به نور و روشنی رهنمون گردد

■ این قرآن است و این نوید قرآن است